

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نگارش: تیمور رحمان
برگردان: داوود جلیلی
ویراستاری و ارسال: علی مشرف
۱۳ اپریل ۲۰۲۴

در باره اقتصاد پاکستان چه می دانیم؟ صندوق بین المللی پول چه بلایی بر سر پاکستان می آورد (۲)



کنار گذاشتن بودجه ملی پاکستان

ایشاق دار وزیر دارائی در جون ۲۰۲۳ بودجه سالانه دولت را تقدیم مجلس ملی پاکستان کرد. با این که بشدت انتظار می رفت که بودجه بر ریاضت شدید استوار باشد، اما با پدیدار شدن انتخابات در ماه اکتوبر، جنبش دموکراتیک پاکستان تصمیم گرفت مالیات ها را افزایش ندهد یا هزینه های ایالتی را کاهش ندهد. در عوض حقوق ها و حقوق بازنشستگان کارکنان دولتی را تا ۳۵ درصد افزایش داد. [۳۵] بودجه جدید روی این فرض دقیق بنا نهاده شده بود که پاکستان قادر خواهد بود ۲۲ میلیارد دلار از کشورهای دیگر و نهادهای مالی جهانی جمع آوری کند. [۳۶] این امر می تواند تعهدات بدهی خارجی پاکستان را نزدیک به ۱۵۰ میلیارد دلار، تقریباً نصف تولید ناخالص سالانه کشور افزایش دهد.

اما با تأیید بودجه از سوی مجلس ملی، صندوق بین المللی پول مایل به موافقت با وزارت حمایت از کسب و کارهای کوچک امریکا نبود. برای تضمین معامله صندوق..، وزیر دارائی با کاهش هزینه های دولت تا ۸۵ میلیارد روپیه (۲۹۸

میلیون دلار امریکا) و افزودن ۲۱۵ میلیارد روپیه (۷۳۵ میلیون دلار) در مالیات‌های جدید به صورت یک جانبه بودجه را تغییر داد. [۳۷]

هیچ یک از این اقدامات از سوی مجلس ملی تأیید نشد، هیچ بحثی درباره بودجه جدید وجود نداشت. تنها پس از اطمینان از آن که بودجه جدیدی وجود خواهد داشت صندوق با وزارت حمایت از کسب و کارهای کوچک موافقت کرد. پیشدستی دار وزیر دارائی پاکستان بر نمایندگان منتخب مردم، اساساً به دستور صندوق بین المللی پول، آشکارترین نقض حق حاکمیت اقتصادی کشور در ۷۶ سال پس از استقلال آن بود.

کشورهائی چون پاکستان تمام کنترل بر اقتصادهایشان را کاملاً از دست داده‌اند. گواه بیشتر این امر این واقعیت است که بانک دولتی پاکستان به صورت قانونی مستقل از دولت است و اغلب تحت ریاست اقتصاددان‌های سابق صندوق بین المللی پول اداره می‌شود. برای تضمین قراردادی با صندوق بین‌المللی پول، انتظار می‌رود دولت سیاست‌های صندوق را در رابطه با تجارت جهانی، نرخ بهره، مالیات، هزینه‌های دولت، و حتی قیمت کالاهای ضروری مانند برق، نفت، گازوئیل، و گاز بپذیرد. بنابراین، سیاست پولی، سیاست مالی، یا روی هم رفته سیاست اقتصادی دیگر تحت کنترل پاکستان نیست. اگر دولت پاکستان بخواهد اقتصاد را با افزایش هزینه‌های بخش دولتی با یک سیاست مالی انبساطی (چنان که نظریه پولی مدرن پیشنهاد می‌کند) تحریک کند، بسادگی نمی‌تواند آن را انجام دهد. مدیر بانک دولتی پاکستان قدرت امتناع از دستورات دولت برای بسط تأمین پولی را دارد.

”با درآمدهای خودت زندگی کن“

حکم صندوق بین‌المللی پول برای تمام کشورهای جهان سوم آن است که ” با درآمدهای خودتان زندگی کنید“. این نصیحت معقولی به نظر می‌رسد، چون، گذشته از هر چیز، هر خانواده، هر کسب و کار، یا هر کشوری که بیشتر از درآمدهای خود خرج می‌کند بدهکار خواهد شد. همین‌طور، دولت‌ها نباید فراتر از آن چه که از مالیات‌ها کسب می‌کنند خرج کنند، و کشورها نباید بیش از صادراتشان وارد کنند. با این حال، پاکستان مرتکب هر دو این “گناه‌ها” می‌شود، که پرسش‌های زیر را مطرح می‌کند: چرا پاکستان نمی‌تواند وارداتش را کنترل کند؟ چرا اقتصاددان‌های شایسته دولت نمی‌توانند بنشینند و آن را حل کنند؟ چون کشور سالانه تقریباً ۵۰ میلیارد دلار درآمد دارد (۲۰ میلیارد دلار از صادرات و ۳۰ میلیارد دلار از ارسال پول از خارج)، واردات آن باید درآمدها ۵۰ میلیارد دلار باشد. نه مقدار ۷۰ میلیارد دلار کنونی. اگر هر خانواری درک می‌کند که نمی‌تواند بیش از درآمدهای خود خرج کند، چگونه است که این اقتصاددان‌ها، که به مهارت‌های ریاضی سطح بالائی مجهز هستند، نمی‌توانند مقدار و آنچه را که دولت خواهد کرد برنامه ریزی کنند؟ اگر کشورهای جهان سوم بتوانند این نوع از برنامه ریزی‌ها را انجام دهند، هرگز هیچ کسری تراز پرداختی، هیچ کسری حساب‌های جاری، یا کاهش ذخایر ارزی را تجربه نخواهند کرد. هرگز از هیچ نهاد مالی بین‌المللی وام نخواهند گرفت. چرا این اتفاق نمی‌افتد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، اجازه دهید روی چهار پیشنهاد عمده صندوق بین‌المللی پول برای دریافت کنندگان وام و نیز تأثیر آن‌ها روی کشورهای درحال توسعه مانند پاکستان عمیق‌تر خم شویم. اول و پیش از همه، صندوق بین‌المللی پول پیشنهاد می‌کند که پاکستان تمام مانع‌های صادرات و واردات را بردارد و اجازه دهد که بازار قیمت روپیه به دلار را تعیین کند. این قطعاً به معنی آن است که دولت قادر به تنظیم تجارت جهانی برای جلوگیری از کسری تجاری نیست. فرض می‌شود نوسانات قیمت روپیه به دلار تجارت را متعادل می‌کند، اما این چیزی نیست که در عمل رخ می‌دهد: به

موازات بالا رفتن قیمت دلار، قیمت محصولات صنایع صادراتی در پاکستان هم بالا می‌رود. در نتیجه، صنایع پاکستانی از رقابتی تر شدن باز می‌مانند و اقتصاد تورم فشار قیمت را تجربه می‌کند.

صندوق بین‌المللی پول به پاکستان می‌گوید با درآمدهای خودت زندگی کن، اما به دولت اجازه نمی‌دهد کسری حساب جاری کنونی خود را با تنظیم نرخ مبادله روپیه - دالر کنترل کند. در دوره‌ای که صندوق بین‌المللی مایل به تمدید اعتبار به دولت پاکستان نبود، کشور توانست تا ۷۵ درصد کسری حساب جاری خود را با محدود کردن اعتبارنامه‌ها کاهش دهد. [۳۸]

به وارد کننده‌ها [۳۹]

ناتوانی دولت برای تنظیم دالر روی بدهی خارجی، که به دالر جمع شده است هم برای نوسانات نرخ مبادله حساس است و هم تأثیر مهمی دارد. مثلاً، اگر ارزش روپیه دالر تا ۱۰ درصد افزایش یابد به نوبه خود تعهدات بدهی خارجی پاکستان را تا ۱۰ درصد افزایش می‌دهد، از ۳۷ تریلیون روپیه به ۴۱ تریلیون روپیه (از ۱۳۰ میلیارد دالر به ۱۴۴ میلیارد). چون کل تعهدات بدهی پاکستان بیش از شش برابر صادرات سالانه آن است، حتی اگر بتواند صادرات را افزایش دهد، این امر می‌تواند قطره‌ای باشد در مقایسه با آن چه پاکستان از رشد بدهی خارجی خود از دست می‌دهد. به همین خاطر است که کشور در نردبان تقسیم کار جهانی بیشتر به پائین می‌لغزد.

کاهش ارزش روپیه به صورت غم‌انگیزی به افزایش بهای کالاهای حیاتی مانند پلاستیک‌ها، آهن آلات، فولاد، و مواد کیمیایی صنعتی منجر می‌شود. پاکستان در بیشتر تاریخ خود به دیگر کشورها پنبه صادر می‌کرد، اما با وارونه شدن تکان دهنده این گرایش، اکنون سالانه نزدیک به ۲ میلیارد دالر مواد اولیه پنبه وارد می‌کند که برای تولید منسوجات برای صادرات مورد استفاده قرار می‌گیرد. [۴۰]

تولید کشوری پنبه اساساً به خاطر فقدان توسعه بذرهای جدید و چون بازار داخلی به تولید نیشکر تمایل دارد بسیار عقب مانده است. به‌طور طبیعی، وقتی قیمت دالر بالا می‌رود، قیمت پنبه خام وارداتی هم بالا می‌رود، که قدرت رقابت صادرکنندگان را بدتر می‌کند. اگر دالر افزایش قیمت یابد و هزینه واردات ماشین آلات سطح بالا افزایش یابد پایه فن آورانه صنایع پاکستان چگونه می‌تواند بهبود یابد؟

آن چه این موضوع‌ها را بدتر می‌کند این واقعیت است که سرمایه خصوصی با نرخی یکنواخت در حال ترک پاکستان بوده است. طبقه سرمایه‌دار همیشه دارایی‌های خود را به اشکال مختلفی خارج از کشور حفظ کرده است. از این رو، تا زمانی که برخی از دارایی‌ها در داخل پاکستان هستند، بخش اعظم ثروت طبقه حاکم در خارج کشور و در بانک‌های خارجی و در املاک خاورمیانه نگهداری می‌شود. رژیم تجارت آزاد حرکت سرمایه را آسان تر می‌کند در حالی که حرکت نیروی کار با قوانین مهاجرت به سختی تنظیم شده است. [۴۱]

پاکستان به موازات وارونه شدن آن، هم سرمایه و هم نیروی کار را با نرخ متناوبی از دست می‌دهد. رژیم تجارت آزاد صندوق بین‌المللی پول قدرت کشورهای جهان سوم را برای تنظیم سرمایه سلب می‌کند.

کل فرار سرمایه از پاکستان بین ۱۹۷۸ و ۲۰۱۸ به ۳۳۳ میلیارد دالر (به نرخ ۲۰۱۰) بالغ می‌شود، و طبق گزارش (سایت) نیشن پاکستانی‌ها تنها بین ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴، دارایی‌هایی به ارزش بیش از ۴.۳ میلیارد دالر در دبی خریداری کرده‌اند. [۴۲]

کشور پاکستان قادر به کنترل این فرار سرمایه نیست و سرمایه‌گذاری در کشور را ترویج می‌کند. با مسلم بودن آن که دالر به افزایش قیمت ادامه می‌دهد، حتی نرخ بهره یا سود بالا در پاکستان نمی‌تواند پولی را که کسب و کارها به خاطر کاهش ارزش روپیه از دست می‌دهند جبران کند. از این رو حتی اگر بانک‌های خاورمیانه یا غربی نرخ‌های بهره پائین

تری عرضه کنند، پاکستانی ها ترجیح می‌دهند به جای ریسک سرمایه‌گذاری سرمایه‌هایشان در پاکستان در این بانک‌ها سرمایه‌گذاری کنند.

مهاجرت کارگران ماهریا "فرار مغزها" مشکل دیگری را نشان می‌دهد. در ۲۰۲۲، هشتصد هزار نفر برای کار در خارج، پاکستان را ترک کردند، رقمی که انتظار می‌رود در ۲۰۲۳ افزایش یابد. [۴۳]

بسیاری از این افراد کارگران مولدی در آغاز جوانی خود هستند. اگر هر اقتصادی سالانه یک میلیون کارگر تحصیل کرده را از دست بدهد آیا می‌تواند پیشرفت کند؟ نیروی کار پس از سرمایه خواهد رفت، و از این رو هر دو در حال فرار از پاکستان هستند. آن چه باقی می‌ماند کشوری است که از یک صنعت نساجی قدیمی، که نصب و استقرار آن زمانی آغاز شد که پاکستان ارزش ستراتیژیک بیشتری برای غرب داشت مقداری لباس تولید می‌کند، و به تأمین‌کننده نیروی کار غیرماهر برای خاورمیانه و اروپا تبدیل شده است.

صندوق بین‌المللی پول پیشنهاد می‌کند که دولت یارانه‌های سوخت و برق را حذف کند، که برق سهم شیر یارانه‌ها را در بودجه ملی ۲۰۲۳ تشکیل می‌دهد. [۴۴]

مسخره آن که، خصوصی کردن نیرو دلیل اصلی است که دولت پاکستان نمی‌تواند بودجه خود را متعادل کند: از بیش از یک تریلیون روپیه (۳.۷ میلیارد دلار) یارانه‌های پرداختی، ۶۷۷ میلیارد روپیه (۲.۳۴ میلیارد دلار) به بخش نیرو پرداخت می‌شود. [۴۵]

اگرچه برخی از تولیدکنندگان مستقل برق در مالکیت یا در اداره پاکستانی‌ها است، اما بسیاری از آن‌ها در مالکیت خارجی هستند یا با سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه از خارج اداره می‌شوند. [۴۶]

اگر پرداخت‌های یارانه‌ای صورت نگیرد، تولیدکنندگان مستقل نیرو می‌توانند پاکستان را در مرکز بین‌المللی برای حل مناقشه‌های سرمایه‌گذاری (ICSID) به دادگاه بکشانند. سابقه‌ای برای این مسیر اقدام وجود دارد. در ۲۰۲۰، پس از آن که پاکستان پروژه معدنی رکو دیک Reko Diq را در میان مناقشه بر سر اجازه متوقف کرد ICSID برای شرکت کانادایی - چیلیایی تیتان مس حدود ۶ میلیارد دلار خسارت مقرر کرد. [۴۷]

با وجود رکود اقتصادی که کشور از سر می‌گذراند، صندوق بین‌المللی پول کاهش هزینه‌ها، مقرر کردن مالیات‌های جدید، و حفظ یک نرخ بهره بالای باور نکردنی را برای مبارزه با تورم پیشنهاد می‌کند (نرخ بهره بانکی در بانک‌های داخلی پاکستان در حال حاضر ۲۱ درصد است). به عبارت دیگر، در هر لحظه‌ای که تراکم درخواست لغزان است، سیاست پیشنهادی صندوق می‌تواند فرصت‌های تحریک اقتصاد با کاهش سرمایه‌گذاری عمومی را نابود و سرمایه‌گذاری خصوصی را مرعوب سازد، که به ناچار رکود پاکستان را عمیق‌تر می‌سازد.

به‌علاوه، صندوق "بازسازی" شرکت‌های دولتی را پیشنهاد می‌کند. اگرچه این نهادها، که دهه‌ها مورد غفلت بوده‌اند، قطعاً به بازسازی و سرمایه‌گذاری جدی نیاز دارند، اما این جنبه مدنظر صندوق نیست. بلکه، صندوق پیشنهاد می‌کند که کشور به خصوصی سازی مالکیت یا مدیریت شرکت‌های دولتی توجه کند در عین حال پرداخت‌های کشور به تولیدکنندگان مستقل نیرو، که بیشترین یارانه‌های کشور را می‌گیرند به جای خود باقی بماند. این جمله تناقض نما است: این شرکت‌های دولتی که در حال حاضر زیان ده هستند و به سرمایه‌گذاری قابل توجهی برای ایجاد سود نیاز دارند از سوی شرکت‌های خصوصی خریداری نخواهند شد. هم زمان سیاست پیشنهادی صندوق به دولت اجازه نمی‌دهد سرمایه‌گذاری لازم را برای نوسازی این شرکت‌ها انجام دهد تا این شرکت‌ها به صورت مطلوبی کارکنند.

بازکردن درهای پاکستان به روی تجارت

صندوق بین‌المللی پول در بیانیهٔ مأموریت خود ادعا می‌کند که ” اشتغال کامل، رشد پایدار اقتصادی و کاهش فقر در سراسر جهان را ترویج می‌کند.“ اما، همهٔ این‌ها نسبت به سه هدف اولیهٔ آن در مرحلهٔ ثانوی قرار می‌گیرند: اول، “تغذیه همکارای پولی جهانی”- که تضمین می‌کند نرخ دالر را بازار تعیین می‌کند، دوم، “تأمین ثبات مالی” با حذف سیاست کینزی کسری هزینهٔ مالی برای تحریک اقتصاد، و سوم، تسهیل تجارت بین‌المللی” با حذف هر نوع محدودیت واردات. [۴۸]

صندوق بین‌المللی پول به بازار به عنوان داروی عام ایمان جزمی دارد و به ندرت جزئیات اقتصادی‌های ملی را قبل از صدور نسخهٔ یک نواخت برای آن‌ها مطالعه می‌کند. راه حل آن برای تقریباً هر مشکل اقتصادی کاملاً ساده است اجازه دادن به آن که بازار تمام قیمت‌ها را به اساس این تصور غلط که همه چیز به صورت جادویی در جای خود قرار خواهد گرفت تعیین کند. صندوق بیشتر از تلاش برای درک واقعیت‌های مختلف کشورها که براساس آن‌ها را پرداخت می‌کند، اساساً با اطمینان توجه دارد که هیچ کشوری از دنبال کردن فورمول زیر منحرف نشود: آزادسازی تجارت جهانی، حذف کسری مالی، اجازه دادن به بازار برای تعیین نرخ دالر و خصوصی سازی اقتصاد .

ستراتژی صندوق برای افزایش رشد در پاکستان، که حداقل مستلزم نرخ‌های بهرهٔ پائین و /یا هزینه‌های بالای بخش عمومی خواهد بود طراحی نمی‌شود. در عوض، برای حفظ بازبودن درهای کشور به روی سرمایهٔ جهانی برای انجام کسب و کار طراحی می‌شود. پاکستان به هیچ وجه مورد فوق‌العاده‌ای نیست، و صرفاً الگوی عام صندوق بین‌المللی پول برای تمام اقتصادها را نشان می‌دهد، (این اقتصادها) خواه بزرگ باشند یا کوچک، در صورتی که اقدامات آن یک رکود دوره‌ئی را به یک کساد دائمی تبدیل کند اهمیتی برای صندوق ندارد.

تورم و مبارزه طبقاتی

روی هم رفته، انتخاب این سیاست اقتصادی دو دلالت زیان بار برای مبارزه طبقاتی در پاکستان داشته است. اولی به تأثیر متفاوت تورم روی طبقهٔ کارگر و نخبگان در پاکستان مربوط است. تورم تأثیر اندکی روی نخبگان پاکستانی دارد، که سرمایه‌گذاری‌های نقدینه را برای پیش برد کسب و کارشان در داخل کشور حفظ می‌کنند و بیشترین حجم ثروتشان را در خارج نگه می‌دارند. تورم کشوری عملاً ارزش دارائی‌های دارای مالکیت خارجی در پاکستان را افزایش می‌دهد، چون آن‌ها اغلب به دالر نگه داری می‌شوند. اما موضوع برای طبقهٔ کارگر و کسانی که در خط فقر قرار دارند و از تأثیرات تورم بشدت ضربه می‌خورند کاملاً متفاوت است. در پاکستان، نابرابری بدتر شده است چون طبقهٔ کارگر و فقراء تنها در داخل کشور دارائی دارند(اگر اصلاً داشته باشند).

دوم، تورم مشکل مرکزی اقتصاد پاکستان را تشدید کرده است، یعنی این که پاکستان نمی‌تواند کسری تجاری خود را کاهش دهد. در بازار جهانی، کشورهایی که بهره وری کاری آن‌ها افزایش نمی‌یابد یا منابع طبیعی ارزشمندی(مانند نفت، گاز، طلا، و مواد معدنی) برای فروش ندارند به ناچار در نردبان تقسیم کار جهانی بیشتر به پائین می‌لغزند. سرمایه‌داری سیستم رقابت است. کارگران با کارگران رقابت می‌کنند، سرمایه دارها با سرمایه دارها رقابت می‌کنند، و کشورها با کشورهای دیگر رقابت می‌کنند. آن‌هایی که نمی‌توانند رقابت کنند شرایط ناسازگار تجارت را تجربه می‌کنند. طرفداران جهانی سازی هرگز از یادآوری به ما ، که تقریباً تمام کشورها در یک بازار جهانی یک پارچه شده‌اند، و از این رو اقتصادهای ملی براحتی نمی‌توانند بدون تجارت جهانی عمل کنند خسته نمی‌شوند.

چون پاکستان در مسابقهٔ تولید محصولات که جهان نیاز دارد بازنده است، بحران تضعیف کنندهٔ ادواری را تجربه می‌کند. تنها گزینه‌های کوتاه مدت پیشنهاد شده از سوی صندوق بین‌المللی پول تضمین می‌کند که پاکستان در دراز مدت

در این چرخه باقی می‌ماند. چهارچوب سیاست صندوق یک عصارخانه است که کشورهای جهان سوم هرگز نمی‌توانند از آن پیاده شوند، این عصاره پاکستان را در یک وضعیت از لحاظ اقتصادی وابسته نگه خواهد داشت. اقتصاددان‌های نئولیبرال در اظهارات صرف که بازار نمی‌تواند کارآیی منابع را تعیین کند، یا آن که بازارها فرار هستند، و، مهم تر از همه، آن که به اصطلاح معادلات بازار محصول یا رشد را حداکثر نمی‌کند، بلکه تنها سود را حداکثر می‌سازد برافروخته می‌شوند. عصبانیت مشابهی در رسانه‌های پاکستان ابراز می‌شود که دولت را برای عدم انجام تعهدات خود به صندوق بین‌المللی پول هدف می‌گیرد. اما این چشم‌اندازها این واقعیت را که نمایندگان منتخب آن چنان افراطی هستند که هر رهبری سیاسی که به حمایت عمومی نیاز دارد نمی‌تواند آن‌ها را کاملاً به انجام برساند چون آن‌ها به صورت بنیادی ضد دموکراتیک هستند کاملاً نادیده می‌گیرد. آن چه صندوق می‌طلبد تنها می‌تواند با ویران کردن دموکراسی نمایندگی، حتی در شکل مجلس بورژوائی آن به اجراء در آید.

اولین گام‌هایی که پاکستان می‌تواند به سوی استقلال اقتصادی بردارد می‌تواند تنظیم تجارت جهانی و نرخ مبادله، به دست گرفتن کنترل بانک مرکزی پاکستان، و رد هر بودجه‌ای باشد که از سوی نمایندگان منتخب همگان تأیید نشده است. در حالی که این گام‌ها هنوز فاصله زیادی با سوسیالیسم دارد، اما می‌تواند حداقل گام مهمی به سوی بستر جاری باشد، که در آن حتی امکان توسعه سرمایه‌داری ملی مستقل از بخش مهمی از جهان رخ بر بسته است.

شاخه‌های سیاسی و نظامی بحران اقتصادی

دولت ائتلافی جنبش دموکراتیک پاکستان، مانند هر رژیمی که در پاکستان به قدرت می‌رسد، برای آغاز توسعه اقتصادی نا امید بود. این دولت ابتکار جدیدی را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به راه انداخت و رشته ای از کلمات بی مفهوم مانند “تغییر دهنده بازی”، “دولت جمعی”، و “یک پنجره عملیات” را گسترش داد. [۴۹]

اما واقعیت تلخ آن است که دولت برای اداره اقتصاد و تضمین آن که تمام سرمایه‌گذاری خارجی مدیریت، هماهنگ و تکمیل شود ارتش را دعوت کرده است. اگر نگرانی‌های محیطی یا کارگری به وجود آید، یا اگر مطالبات استان خاصی با منافع کسب و کارها برخورد کند، ارتش به اصطلاح تنگناها را برطرف خواهد کرد. البته ما از تاریخ می‌دانیم، که تنگناهای اقتصادی اغلب با زدن تبر بر گردن انسان‌ها برطرف می‌شود.

رویکرد ارتش محور دولت جنبش دموکراتیک مردم در آستانه قرارداد دولت فدرال در سنجیده با دولت‌های ایالتی است. تحت اصلاحیه هیجدهم قانون اساسی، عرصه‌های بسیاری، مانند آموزش و پرورش، کار، و محیط زیست، اکنون در صلاحیت دولت‌های ایالتی است. چون ارتش مسؤول تقویت اقتصاد پاکستان می‌شود، هر اعتراضی به پروژه‌های بزرگ که روی روابط بین ایالتی آن‌ها تأثیر بگذارد احتمال دارد تقابل مستقیمی با قدرت ارتش تلقی شود. این امر سبب تشنج‌های بزرگتری بین دولت مرکزی ارتش محور و دولت‌های ایالتی، که از سوی حزب‌های سیاسی منصوب می‌شوند خواهد شد.

این امر تغییرزلزله واری را نشان می‌دهد که تقریباً از سوی اکثر مفسران کاملاً نادیده گرفته می‌شود. ائتلاف کنونی جنبش دموکراتیک مردم اساساً در ۲۰۰۶ شکل گرفت زمانی که حزب مردم چپ مرکز پاکستان حزب مسلم لیگ (نواز) راست مرکز را به امضای منشور دموکراسی فراخواند، (منشور) اعلام می‌کرد که هیچ حزبی نمی‌تواند برای سرنگونی دولت (حزب‌های) دیگر با ارتش همکاری کند. قابل توجه بود که دو حزب بزرگ پاکستان ظاهراً علیه نقش ارتش در موضوع‌های غیر نظامی متحد شده بودند، چون دولت در بخش اعظم تاریخ کشور از سوی دیکتاتورهای

نظامی یا با مشارکت فعال ارتش اداره شده بود. برخی از ترقی خواهان با این امید که این ائتلاف نشانه خروج ارتش پاکستان از فضای سیاسی را به صدا در آورده است اعتقاد زیادی به آن داشتند.

دقیقاً در متن این ائتلاف ظاهراً ضد نهاد مستقر بزرگترین حزب‌های پاکستان بود که به قول معروف ارتش از جنبش برای عدالت پاکستان، به ویژه پس از ۲۰۱۴، که دولت نواز و نهاد ارتش مشاجره بزرگی داشتند حمایت کرد. جنبش برای عدالت پاکستان به حزب‌های دیگر به عنوان فاسد و نالایق حمله کرد، و رسانه‌ها(تا حد زیادی تحت کنترل ارتش) به این حکایت بال و پر دادند. جنبش دموکراتیک مردم استدلال می‌کرد که عمران خان، نامزد عدالت برای پاکستان، صرفاً پیش قراول نیروهائی است که می‌خواهند منشور دموکراسی را تضعیف کنند و ارتش را به قدرت برگردانند. اپوزیسیون به عمران خان به عنوان “نخست وزیر انتصابی” (در برابر انتخابی- مترجم) اشاره می‌کرد و چگونگی نفوذ ارتش روی رسانه‌ها را خاطر نشان می‌کرد. احکام سیاسی در دوران (حکومت) عدالت برای پاکستان افزایش یافته بود.

جنبش دموکراتیک مردم، با وجود متهم کردن جنبش عدالت برای پاکستان به “رژیم دورگه”، از زمان به قدرت رسیدن در سطحی حتی بیشتر به جاده نظامی گری فرو غلتیده است. [۵۰]

نه تنها ارتش اوضاع سیاسی کشور را با سرکوب جنبش عدالت برای پاکستان و دیگر حزب‌های اپوزیسیون مدیریت می‌کند، بلکه رسماً برای به دست گرفتن امور اقتصادی کشور دعوت شده است. این گرایش وسیع تری را بازتاب می‌دهد که در آن محدودیت‌های اقتصادی که سرمایه جهانی بر کشورهای جهان سوم تحمیل می‌کند در نهایت رهبری سیاسی این کشورها را به سمت قرار دادن مدیریت اقتصادی در دست ارتش هل می‌دهد.

این نظر که ارتش باید به “نقش خود بر طبق قانون اساسی” محدود شود براحتی از پنجره بیرون انداخته شده است، چون جنبش دموکراتیک مردم با بحران اقتصادی و مشکلات با حزب عدالت پاکستان احاطه شده است، تکیه بر ارتش را نه تنها برای عقب نشاندن اپوزیسیون، بلکه حتی برای کمک به تحریک اقتصادی و تکمیل پروژه‌های اقتصادی آسان تر می‌یابد. منشور دموکراسی به ورق پاره تبدیل شده است. ذینفع واقعی در این ستیزه ارتش پاکستان باقی می‌ماند، که هم اکنون سلطه آن بر قلمرو سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک بشدت محکم و غیر قابل تغییر شده است. شرایط اقتصادی ناسازگار ایجاد شده از سوی سرمایه جهانی و صندوق بین‌المللی پول شرایط را برای کشور و جامعه‌ای اقتدارگرا فراهم کرده است.

جمع‌بندی: پاکستان به کجا می‌رود؟

مارکسیست‌ها مایلند فکر کنند که تاریخ با بیرحمی به پیش حرکت می‌کند. در چهارچوب بزرگ‌تر توسعه بشریت، این بی تردید حقیقت دارد. اما، دلالت بر آن ندارد که هر دهکده، سرزمین، یا کشور مشخصی همیشه به پیش حرکت می‌کند. حتی درحالی‌که تاریخ به پیش می‌رود، جامعه‌های بسیاری نابود می‌شوند (مثلاً در پروژه‌های استعماری و شهرک‌های استعماری)، از جنبش می‌مانند (امپراتوری‌های بیزانس یا عثمانی)، یا به قهقراء می‌روند. به نظر می‌رسد دو مورد آخر برای وضعیت جاری پاکستان قابل اجرا است.

پاکستان پس از مقداری پیشرفت تاریخی واقعی متعاقب استقلال، وارد دوره‌ای از ایستائی فراگیر اجتماعی، اقتصادی و روشنفکری، یا شاید حتی قهقراء شده است. بنابراین، امروز وظیفه تاریخی قرار گرفته پیش روی مردم پاکستان سازماندهی، بسیج و مبارزه برای استقلال اقتصادی است، همان طور که در ۱۹۴۷ استقلال سیاسی خود را از استعمار

بریتانیا به دست آوردند. این یک وظیفه تنها برای پاکستانی‌ها نیست، بلکه وظیفه‌ای برای کل جهان سوم است، که از ترتیبات مالی نو استعماری جهانی که فرصت‌های توسعه اقتصادی را نابود می‌کند رنج می‌برند

این پرونده با همکاری مرکز پژوهش و انتشارات (لاهور، پاکستان) تهیه و توسط تیمور رحمان، استاد یار علوم سیاسی در دانشگاه مدیریت علوم لاهور، سخنگوی بندلعل، و دبیرکل حزب مزدورکیسان و جبهه دموکراتیک چپ به تحریر درآمده است.

عکس‌های استفاده شده در این پرونده اثر **علی عباس** (ناد علی)، هنرمند بصری ساکن لاهور، پاکستان است، آثار او از خودبیگانگی، تعلق و فضاهای میانه‌ای را که در تمام فرهنگ‌ها وجود دارد کاوش می‌کند. عکس‌ها از مجموعه‌های “هانتولوژی لاهور” (نمایش ۲۰۱۷) برگرفته شده است. عباس عبارت هانتولوژی را از ژاک دریدا فیلسوف فرانسوی به عاریت گرفته است. به گفته عباس، “در داخل هر چشم اندازی از لاهور، در میان خیابان‌های شلوغ، ساختارهای باستانی، و جامعه‌های متزلزل آن مخزنی از آینده‌های استفاده نشده و بالقوگی تحقق نیافته نهفته است.” این پرونده بر آن است تا با یک درک اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، بر آن مخزن دست نیافته آینده‌ها و بالقوگی تحقق نیافته نه فقط پاکستان، بلکه به صورت گسترده تر خلق‌های ستم‌دیده جهان سوم نوری بیفکند.

<https://thetricontinental.org/dossier-69-how-the-international-monetary-fund-is-squeezing-pakistan/>

تاریخ ترجمه: ۲۷/۱۲/۱۴۰۲

[۳۵] Anjum Shahnawaz, ‘Government Employees in Pakistan Granted Salary Increase of up to 35%’, *Pakistan Revenue*, ۶ July 2023, <https://pkrevenue.com/government-employees-in-pakistan-granted-salary-increase-of-up-to-35/#:~:text=Islamabad%2C%20July%20%20%2023%20%E2%80%93,details%20of%20this%20salary%20raise>

[۳۶] ‘Why Did Pakistan Need the IMF Deal? What Does It Need to Do Now?’, *Al Jazeera*, ۳۰ June 2023, <https://www.aljazeera.com/news/2023/6/30/why-did-pakistan-need-the-imf-deal-what-does-it-need-to-do-now>

[۳۷] Mubarak Zeb Khan, ‘Rs215bn in New Taxes to Help Seal IMF Deal’, *DAWN*, 25 June 2023, <https://www.dawn.com/news/1761637>

[۳۸] A letter of credit is a guarantee by a bank that payment will be made to the foreign suppliers after the goods have been received and cleared by customs

[۳۹] Ali Salman, ‘We Need a Minister of Economy’, *The Express Tribune*, ۲۶ June 2023, <https://tribune.com.pk/story/2423561/we-need-a-minister-of-economy>

[۴۰] ‘Pakistan Imports of Cotton’, *Trading Economics*, accessed 2 August 2023, <https://tradingeconomics.com/pakistan/imports/cotton>

[٤١] To learn more about this dynamic, see Tricontinental: Institute for Social Research, *In the Ruins of the Present*, working document no. 1, 1 March 2018, <https://thetricontinental.org/working-document-1/>

[٤٢] Malik Fahim Bashir, Taimur Khan, Yasir Bin Tariq, and Muhammad Akram, 'Does Capital Flight Undermine Growth: A Case Study of Pakistan', *Journal of Money Laundering Control* (31 August 2023), <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/JMLC-07-2022-0100/full/html>; 'Capital Flight', *The Nation*, ٢٥ May 2015, <https://www.nation.com.pk/25-May-2015/capital-flight?show=486>

[٤٣] '٨٠٠,٠٠٠ Professionals, Left Pakistan in 2022', *Daily Times*, ١ February 2023, <https://dailytimes.com.pk/1058262/800000-professionals-left-pakistan-in-2022/>

[٤٤] Zafar Bhutta, 'Power Sector to Eat up Major Chunk of Subsidies', *The Express Tribune*, ١٠ June 2023, <https://tribune.com.pk/story/2421017/power-sector-to-eat-up-major-chunk-of-subsidies>; 'Pakistan Further Removes Fuel Subsidies to Win IMF Funding – Finmin', *Reuters*, ١٥ June 2023, <https://www.reuters.com/markets/asia/pakistan-further-removes-fuel-subsidies-win-imf-funding-finmin-2022-06-15/>

[٤٥] همان

[٤٦] 'IPPs', Central Power Purchasing Agency (Market Operator), <https://www.cppa.gov.pk/ipps>

[٤٧] Decisions on Provisional Measures', *Tethyan Copper Company Pty Limited v. Islamic Republic of Pakistan*, case no. ARB/12/1 (Washington, DC: International Centre for Settlement of Investment Disputes, 13 December 2012), http://icsidfiles.worldbank.org/icsid/icsidblobs/OnlineAwards/C3805/DC4984_en.pdf

[٤٨] 'About the IMF', International Monetary Fund, accessed 2 August 2023, <https://www.imf.org/external/pubs/ft/ar/2016/eng/about.htm#:~:text=It%20works%20to%20foster%20global,reduce%20poverty%20around%20the%20world>

[٤٩] 'Exporters' Issues: PM for Establishing One-Window Facilitation Centres', *Business Recorder*, ١٧ July 2023, <https://www.brecorder.com/news/40252962>

[٥٠] Imitaz Alam, 'As Imran Khan's Populism Goes Bust, Pakistan's Hybrid Regime Remains Mired in Crisis', ١ June 2023, <https://thewire.in/south-asia/imran-khan-pakistan-populism-hybrid-regime>